



طنز یا تمسخر

استهزا نقد نیست

محتویات:

- استهزاء نقد نیست

- هنوز مرزهای ظریف طنز و تمسخر

کاملاً تفکیک نشده اند

- نقدی کوتاه بر آثار چارلی چاپلین

استهزاء نقد نیست

خنده بازار، برنامه طنز یا تمسخر :

برنامه طنز "خنده بازار" از ابتدا قرار بوده با هدف ایجاد

لحظاتی شاد و مفرح، به بیان نقدهای اجتماعی پرداخته و روحیه

و ظرفیت تقدیرری را میان مخاطبان به ویژه مسئولان ارتقا دهد

که این هدف در همان چند قسمت سری اول پخش برنامه کاملاً

رنگ باخت و جای خود را به تمسخر و استهزاء افراد سرشناس

داد. "خنده بازار" با روندی که نسبت به تمسخر افراد در پیش

گرفته، به نوعی این حس را در جامعه مخاطبان القا می‌کند که

تقدیر به معنای انعطاف افراد در مقابل مسخره شدنشان است.

این برنامه با تمسخر و ادا در آوردن متاسفانه توانست در طول

سه سال پخش خود مخاطبان زیادی را هم جلب کند، ولی سوال

اینجاست که مردم به چه قیمتی با "خنده بازار" می‌خندند؟

موضوعی که حایز اهمیت است، اینست که آیا افراد باید در

مقابل مورد تمسخر قرار گرفتن هم انعطاف داشته و ظرفیت

خود را بالا ببرند و آیا این رویه درستی در جامعه ایرانی است

که مسخره کردن جایگزین نقد سالم شود؟

نکته جالب آنکه این موضوع نه تنها به واسطه برنامه "خنده

بازار" در میان عموم پذیرفته شده است بلکه رسانه‌ها نیز در

مصاحبه با اشخاصی که مورد تمسخر قرار گرفته‌اند، در

تلاشند میزان جنبه و انعطاف آنها را اندازه‌گیری و به مخاطبان

عرضه کنند!

به این ترتیب مسخره کردن هنرمندان و مجریان تلویزیونی و

دیگران، متأسفانه به یک فرهنگ تبدیل شده است. افراد مختلف

بارها و بارها در این برنامه رفتارها و گوییشان مورد تمسخر

قرار گرفته است، و به این اتفاق واکنشی نشان نداده‌اند. البته

شاید در بعضی موارد، حتی این افراد به ناچار ناگزیر شده‌اند، واکنشی مثبت به این قضیه نشان دهند.

مساله جایگزینی استهزا و تمسخر به جای تقد به بهانه لزوم بالا بودن ظرفیت افراد، یک سوی قضیه است و لزوم بررسی این اتفاق در بستر فرهنگ ایرانی سوی دیگر اتفاق است.

به نظر می‌رسد نزول سطح سلیقه مردم با استقبال از "خنده بازار" و حمایتی که رسانه ملی با تولید مکرر این مجموعه از خود نشان می‌دهد، مخاطبان تلویزیون را در مسیر نادرستی قرار داده و این فرهنگ غلط را در سطح جامعه رواج می‌دهد. در

واقع این امر نوعی صحنه گذاشتن بر عادات ناپسندی است که

همچون لطیفه ساختن برای اقوام مختلف در میان مردم شایع است.

این چنین برنامه‌هایی ، بازار بلوتوث‌ها و پیامک‌ها و فایل‌های

تصویری تمسخر افراد صاحب‌نام را نیز داغ‌تر می‌کند. چرا باید

فرهنگ استهزا و تمسخر درباره چهره‌های شاخص رواج پیدا

کند؟ آیا رسانه ملی که قرار بود دانشگاه بزرگی برای همه ملت

ایران باشد به جای فرهنگ سازی قرارست زیرساخت‌های

فرهنگی را تخریب کرده و به جای ایجاد همدلی باعث دلخوری

باشد؟

زمانی که یک کودک یا نوجوان شاهد تمسخر یک شخصیت

علمی یا مثبت باشد، نه تنها این مسخرگی را به تمام جنبه های

زندگی اجتماعی خود تعمیم می دهد، بلکه از الگو قرار دادن

افراد شاخص علمی و موفق دچار شک و شبهه می شود، و این یک

ضربه بزرگ تربیتی و فرهنگی محسوب می شود.

یادمان باشد که با هم بخندیم نه اینکه به هم

بخندیم!

هنوز مرزهای ظریف طنز و تمسخر از هم

کاملاً تفکیک نشده است:

متأسفانه در کشور ما هنوز مرزهای ظریف طنز و تمسخر از

هم کاملاً تفکیک نشده است. همین عدم تفکیک مرز طنز و

تمسخر مشکلات بسیاری را پیش روی طنز پردازان گذاشته

است.

طنز شیوه‌ای از طرح و شرح مسائل و موضوعات زندگی فردی

و اجتماعی است که در عین حال که تبسم را بر لب می‌نشاند

انسان را نیز به فکر و امی دارد طنز یک تحلیل اجتماعی است .
برخی طنز را با تصفیه حساب شخصی و کینه توزی اشتباه
می گیرند ، اما طنز باید مثل یک نمونه خوان عمل کند و مشکلات
و تقایص موجود را برای برطرف کردن آن با مخاطب و
مسوولان در میان بگذارد. از این رو طنز در پی ایجاد وضعیت
بهتر و رفع تقایص عمل می کند و جنبه های ادبی طنز از فکاهه،
لطیفه ، کمدی و مطایبه قوی تر است .

در طنز سیاه و تلخ نیز نوع پنهان تری از انبساط و تبسم
وجود دارد که با اقتباض درهم آمیخته است. طنز سیاه ممکن

است ظاهری تلخ و سیاه داشته باشد، اما باطنی شیرینی دارد.

فرق طنز تلخ و سیاه هم در صورت ظاهری آنها است.

تاریخ ادبیات ما پر از آثار طنز است که هر یک از شاخصها و

ویژگی خاصی برخوردار هستند. برخی از این نویسندگان

ممکن است این کار را با قصد و نیت قبلی انجام داده باشند و

برخی نیز قصدی در این کارشان نداشته باشند.

طنز در دوره مشروطه وارد شعر و نثر می شود. در این دوره

طنز در خدمت سیاست و اندیشه های مدرن قرار می گیرد و یکی

از طنز پردازن مطرح دوره مشروطه، "نسیم شمال" است که

نشریه منتشر می کرد و نوشته‌هایش طنز آن زمان بود. او حتی

به مسائل سیاسی از نگاهی طنز می پرداخت.

موضوعاتی که با بیان طنز در جامعه مطرح می شود

تاثیر گذاریش بیشتر خواهد بود و بیشتر نگاه مسوولان را نیز

معطوف به خود می کند. طنزپرداز باید در حوزه نشر و نظم

حداقل تسلط نسبی را داشته باشد و از موضوعات فرهنگی، ملی و

قومی آگاهی کافی داشته باشد و ظرفیت ها را بشناسد. در

بسیاری از مواقع طنزپرداز در یکی از حوزه‌ها تسلط

ندارد. خود اثر باید ضامن قدرت اثر باشد.

دنیای مدرن ما دچار نوعی خواب آلودگی و گیجی است و بسیاری از جامعه شناسان ما میان سنت و مدرنیسم مانده اند. امروزه ما در شرایطی قرار داریم که نه به طور کامل از جامعه سنتی و کشاورزی عبور کرده ایم و نه به طور کامل وارد دوران مدرن شده ایم. در واقع در میانه دو نوع زندگی متفاوت زندگی می کنیم و همین امر خود در دسرهای متعددی به همراه دارد. به هر حال تجربه ها و سوابق اعم از سیاسی و غیره سیاسی در اذهان باقی می ماند و هر کدام به نوعی در آثار هنری تجلی پیدا می کنند و نباید از کنار این اتفاقات بی اعتنا گذشت.

آموخته ام ... که تنها کسی که مرا در

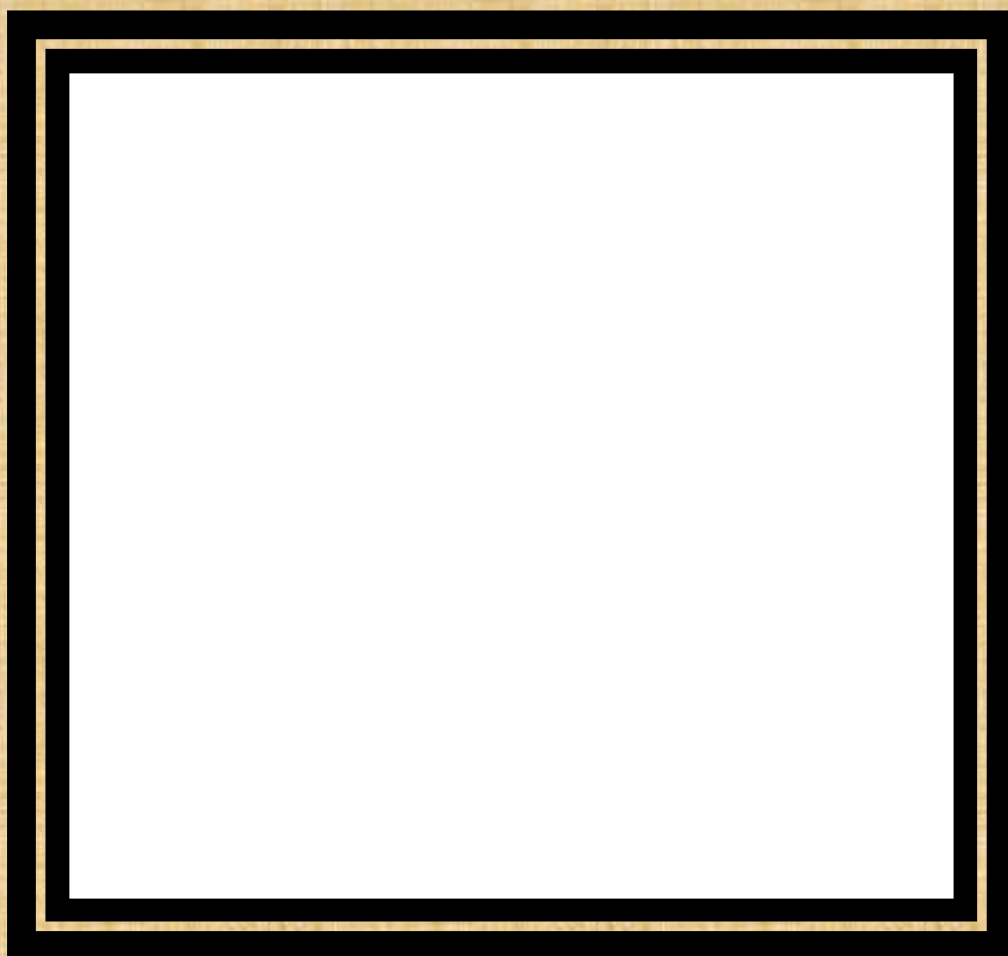
زندگی شاد می کند کسی است که،

به من می گوید: تو مرا شاد کردی.

"چارلی چاپلین"

تقدی کوتاه بر طنزهای

چارلی چاپلین



چارلز اسپنسر چاپلین (۱۶ آوریل ۱۸۸۹ - ۲۵ دسامبر ۱۹۷۷)

متولد در شهر لندن معروف به چارلی چاپلین در نقش یک دلچک به

بیان مسایل و معضلات تلخ زندگی و انتقاد از روندها و روال های

غیرسازنده و جاری در جامعه و زندگی روزمره پرداخته است.

بدرستی که چارلز اسپنسر چاپلین یا همان "چارلی چاپلین"

نابغهی سینما در قرن بیستم میلادی لقب گرفته است.

او کاراکتر یک دلچک ریزنقش محزون را به تدریج پرورش

داد. از نظر ظاهری شخصی بود با کفشهایی که برایش بزرگ

بودند، شلواری گشاد و کتی تنگ که کلاه لبه دار دربی بر سر

می گذاشت از نظر باطنی همچو یک آس و پاسی بود که با جهان
پیرامون خود به کلی بیگانه است و بی ریا به کشف آن می پردازد
و در این سیر و شهود، بسیاری از ظرایف و جزئیات را که
بسیاری مواقع تلخ می نمود کاملاً هنرمندانه با حرکات دست و پا
به صورت پانتومیم به نمایش می گذاشت . فیلم های او نشان می
دهد که بدون ادا در آوردن شخص خاصی ، یا توهین کردن به
کسی، حتی با کوچکترین و کمدی ترین کارها ، مثل مسخره راه
رفتن و... ، می توان لحظات شادی را در زندگی و این جهان
پراز هرج و مرج ایجاد کرد.

چاپلین زندگی پر فراز و نشیبی داشت. هنرمندی حساس بود.

جوشش چشمه‌ی استعداد درونیش کنترل‌ناپذیر بود و همیشه

ایده‌های ناب‌ی در ذهن داشت. چاپلین شخصیت کوچک آس و پاس

را در اولین سالهای دهه دوم قرن بیستم خلق کرد و با وجودی

که اینک چاپلین زیر خروارها خاک و بتن آرمیده این کارآکر

هنوز زنده است و نفس می‌کشد. تقریباً غالب تماشاچیان با دیدن

فیلمهای کوتاه و بلند چاپلین هنوز می‌خندند. چاپلین یک هنرمند

انگلیسی مهاجرت کرده به هالیوود نیست. او جهانی است.

هموطن، همشهری و همسایه تک تک ماست.

در سال ۱۹۹۹ "عصر جدید" در رتبه چهارم، لیست چهل و پنج
فیلمی قرار گرفت که واتیکان آن را مناسب برای تماشا توسط
افراد دانست. او همچنین یک متن کامل نوشت و حتی بخش هایی
از آن را فیلمبرداری نمود، اما در نهایت به این نتیجه رسید که
سکوت (البته با موسیقی) بهترین گزینه است. چهره بشاش و
سرحال چارلی چاپلین در فیلم است که به شدت تضادش را با
زمینه اصلی فیلم به رخ می کشد، و به این ترقیب می توان به لایه
های زیرین داستان پی برد.

اما او در فیلم بعدی اش دیکتاتور بزرگ این کم حرفی و بی حرفی را به خوبی تلافی می کند! بیننده فیلم در سرتاسر فیلم و با دیدن هر صحنه نبوغ استاد را تحسین می کند.

هیتلر و چارلی چاپلین تقریباً همسن بودند، ... هیتلر فقط چهار

روز از چارلی چاپلین کوچکتر بود!

چارلی چاپلین گفته: این سرنوشت ما دو تا بود که یکی دنیا را

بخنده بندازه و دیگری به گریه، و اگر سرنوشت می خواست

کاملاً بر عکس می شد! ...

فرق چاپلین و هیتلر فقط یک کلاه بود!



مراقب تائیری که روی جهان می گذارید باشید...
هیتر و چالینی تقریباً همسن بودند... هیتر فقط چهار روز از چالینی کوچکتر بود!
چالینی گفت: این سر نوشت ما دوتا بود که یکی دنیا را بخندد بنمازه و دیگری به گریه. و
اگر سر نوشت میخواست. کلاه بر عکس میشد...!

تفاوت تنها بکند کلاه بود!!!

It's the hat.

فرق چاپلین و هیتر فقط یک کلاه بود!

تفاوت تنها یک کلاه بود!

وی که بسیار دلشوره‌ی مواجهه با تماشاچیان سالهای دور را داشت بهنگام مراسم اسکار در پشت پرده به انتظار اعلام نامش بود. مطابق روال معمول مراسم اسکار، پیش از اعلام نام چاپلین گزیده‌ای از آثار وی در قالب یک کلیپ تصویری پخش شد و حضار در سالن به شدت به خنده افتادند. چاپلین که رنگ به رخسار نداشت نگاهی به یکی از اعضای آکادمی انداخت و گفت :

"دارند به فیلمهای من می‌خندند؟ مگر هنوز هم خنده‌دار هستند؟" چاپلین با شکوه و جلال فراوان در حالیکه تمامی حاضرین در جلسه سرپا ایستاده و به تشویق وی می‌پرداختند به

روی صحنه رفت و جایزه خود را دریافت کرد. پیرمرد در

حالی که شدیداً گریه میکرد و قادر به بیان جمله‌ای نبود پشت

میکروفون قرار گرفت و تنها به ذکر یک کلمه بسنده کرد :

"... متشکرم". یادش گرامی باد



آخرین عکس از چارلی چاپلین چند روز قبل از مرگ